

د: ۸۸/۹/۲۳

پ: ۸۸/۹/۲۸

بازنگری کتیبهٔ پهلوی بر صلیبهای سنگی

حسن رضائی باغبیدی*

چکیده

در میان کتیبه‌های بازمأندهٔ پهلوی، کتیبه‌ای که پیرامون شش صلیب سنگی نوشته شده، از اهمیتی ویژه برخوردار است. خط به کار رفته در این کتیبه، حد فاصل خط پهلوی کتیبه‌ای و خط پهلوی کتابی است. همهٔ این شش صلیب سنگی در جنوب هند یافت شده و احتمالاً به سدهٔ هفتم میلادی تعلق دارند. این صلیبهای سنگی را مسیحیان سُرّیانی که به جنوب هند مهاجرت کرده بودند، از خود به یادگار نهاده‌اند. تاکنون تلاشهای بسیاری برای قرائت و ترجمهٔ این کتیبهٔ پهلوی صورت گرفته، اما هیچ یک رضایتبخش نبوده است. نگارنده در این مقاله، با تکیه بر شواهد زبانشناختی، قرائت و ترجمهٔ جدیدی را برای این کتیبه پیشنهاد می‌کند و نشان می‌دهد که زبان کتیبه نه فارسی میانه، بلکه فارسی دری است.

کلیدواژه: پهلوی، پهلوی کتابی، پهلوی کتیبه‌ای، فارسی دری، مسیحیان سُرّیانی.

۱. مقدمه

در اواخر سدهٔ نخست میلادی، مسیحیت در شمال بین‌النهرین، به‌خصوص در نواحی آدیابنه^۱ (شهر اصلی: آربلا^۲، اربیل کنونی در شمال عراق) و أُسروئنه^۳ (شهر اصلی: اِدِسا^۴، اورفای کنونی در جنوب شرق ترکیه)، گسترش یافت. تسامح دینی اشکانیان

E-mail: harezai2001@yahoo.co.uk

* دانشیار گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران

1. Adiabene
2. Arbela
3. Osrhoene
4. Edessa

سبب شد که دین جدید به سرعت به سرزمینهای ایرانی راه یابد، به گونه‌ای که در آغاز قرن سوم میلادی و هم‌زمان با تشکیل سلسله ساسانی (در سال ۲۲۴ م)، بیش از بیست اسقف مسیحی در بین‌النهرین و مناطق همجوار آن فعالیت می‌کردند (نک: آسموسین ۱۹۸۳: ۹۲۵). بردیسان^۱ که در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم میلادی می‌زیست، به حضور مسیحیان در پارت، ماد، کاشان و پارس اشاره کرده است (راسل ۱۹۹۲: ۵۲۴). رسمیت یافتن دین زردشتی در دوره ساسانی و خطری که گسترش دیگر ادیان، به خصوص مسیحیت، برای این دین حکومتی در پی داشت، سبب شد که موبدان متعصب زردشتی، و در رأس آنان گردیر، به مقابله با آن ادیان بپردازند. گردیر که در زمان پادشاهی شاپور اول (۲۴۰-۲۷۰ م) هیربدی بیش نبود، به تدریج در زمان پادشاهی هرمز اول (۲۷۲-۲۷۳ م)، بهرام اول (۲۷۳-۲۷۶/۷ م) و بهرام دوم (۲۷۶/۷-۲۹۳ م) به درجات بالای حکومتی رسید و «موبد و دادور (= قاضی) کل کشور» شد. از آن زمان به بعد، تعقیب و آزار پیروان دیگر ادیان را سرلوحه کار خویش قرار داد و به تأسیس آتشکده‌ها و رسیدگی به امور موبدان پرداخت. گردیر در قدیم‌ترین کتیبه‌اش در سرمشهد در حدود هشتاد کیلومتری جنوب کازرون که در حدود سال ۲۹۰ میلادی نگاشته شده (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۴۰)، و نیز در دو کتیبه دیگرش در نقش رستم و بر کعبه زردشت، یکی از افتخارات خویش را آن می‌داند که در نتیجه تلاشهایش «یهود و شمن (= بودایی) و برهمن (= هندو) و ناصری و کریستیان و معتسلی (= مندایی) و زندیق (= مانوی) در کشور زده شد (= سرکوب شد)» (کتیبه سرمشهد، سطر ۱۴؛ کتیبه نقش رستم، سطر ۳۰؛ کتیبه کعبه زردشت، سطرهای ۹-۱۰؛ نک: زینیو ۱۹۹۱: ۶۰، ۶۹-۷۰). به نظر می‌رسد که منظور گردیر از ناصری (فارسی میانه: /n'cl'y /nāsrāy/) مسیحیان سُرِیانی‌زبان ایرانی، و منظور وی از کریستیان (فارسی میانه: /klsty'd'n /kristyān/) مسیحیان یونانی‌زبان بوده باشد (راسل ۱۹۹۲: ۵۲۳).

سرکوب گسترده مسیحیان در زمان گردیر و آزارها و شکنجه‌های بعدی آنان، به خصوص در دوره پادشاهی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م)، نتوانست مانع از گسترش مسیحیت در سرزمینهای ایرانی گردد. موفقیت مبلغان مسیحی تا بدانجا بود که در سال ۴۱۰ میلادی، در زمان پادشاهی یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۱ م) که با مسیحیان و دیگر اقلیتهای دینی مدارا می‌کرد، نخستین شورای روحانیان مسیحی شاهنشاهی ساسانی در

تیسفون، پایتخت ساسانی، برگزار شد (آسموسین ۱۹۸۳: ۹۴۰). پس از بروز اختلافات کلامی در کلیساهای سُرَبانی زبان در باره طبیعت الهی و انسانی عیسی مسیح (ع)، کلیسای ایران چندین شورا در دهه ۴۸۰ میلادی برگزار کرد و سرانجام دیدگاه نِستوریوس،^۱ اسقف برکنار شده قسطنطنیه، را مبنی بر وجود دو طبیعت جداگانه (الهی و انسانی) در شخص عیسی مسیح (ع) پذیرفت. بدین ترتیب، کلیسای نِستوری ایران از کلیسای غرب جدا شد و اعلام استقلال کرد (سیمز-ویلیامز ۱۹۹۲: ۵۳۰).

در اواخر دوره ساسانی، مسیحیت در شرق ایران نیز گسترش یافته بود، به گونه‌ای که شهرهایی چون مرو و هرات به مراکز اصلی مسیحیت بدل شده بودند (راسل ۱۹۹۲: ۵۲۴). به روایت ثعالبی (ص ۷۴۷-۷۴۸) پس از آن که یزدگرد سوم در سال ۶۵۱ میلادی به مرو گریخت و در آنجا کشته و جسدش در رود مرو انداخته شد، اسقفی مسیحی جسد وی را یافت و او را با احترام به خاک سپرد.

مسیحیان ایرانی آثار ارزشمندی به زبان سغدی، از زبانهای ایرانی میانه شرقی، از خود به یادگار نهاده‌اند. همه متون شناخته شده سغدی مسیحی را در ویرانه‌های صومعه‌ای نِستوری در بولایق^۲ در واحه ترفان در ترکستان چین یافته‌اند. این متون از زبان سُرَبانی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند و شامل بخشهایی از کتاب مقدس، داستانهایی از پیامبران و آباء کلیسا، زندگی شهدا و قدیسان، نیایشها، تفاسیر، اشعار و کلمات قصار هستند (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۰۳). از جمله جالب‌ترین متون سغدی مسیحی می‌توان به ترجمه بخشهایی از زیور داوود (نک: شوارتس ۱۹۷۴)، بخشهایی از داستان حضرت ایوب (ع) (نک: زرشناس ۱۳۸۴) و بخشهایی از داستان دانیال نبی (ع) (نک: منشی‌زاده ۱۳۷۷) اشاره کرد (نیز نک: سیمز-ویلیامز ۱۹۸۵).

آثاری نیز به خط پهلوی از مسیحیان ایرانی به یادگار مانده است که عبارت‌اند از:
۱. کتیبه‌ای بر سنگ مزار یک ایرانی مسیحی که در استانبول یافت شده و به سده نهم یا دهم میلادی تعلق دارد (نک: فرای ۱۹۹۰؛ باگالیوئف ۱۹۷۴؛ دومیناش ۱۹۶۷؛ نیبرگ ۱۹۶۸؛ ژینیو ۱۹۸۶).

۲. نوشته‌هایی کوتاه بر مهرهای مسیحیان ایرانی (نک: ژینیو ۱۹۸۰). یکی از این مهرها از آن جاثلیق بزرگ آلبان (= آلبانی) و بلاسگان است (نک: کاسوموا ۱۹۹۱).

۳. کتیبه‌ای بسیار کوتاه بر لوحه‌ای مسین که به قرن سوم هجری تعلق دارد. این لوحه که در واقع وقف‌نامه‌ای به زبان تامیلی است، در کویلون^۱ در جنوب هند یافت شده است. امضای شاهدان این وقف‌نامه به سه زبان و خط است: فارسی یهودی، فارسی میانه و عربی. این لوحه به قطعه زمینی اشاره می‌کند که فردی مسیحی به نام سبر-ایشوع^۲ به کلیسای ایرانی مالابار^۳ اهدا کرده است (آسموسین ۱۹۶۵: ۵۰؛ لازار ۱۹۶۳: ۳۱؛ هنینگ ۱۹۵۸: ۵۱).

۴. بخشهایی از ترجمه فارسی میانه زبور داوود که از زبان سُریانی ترجمه شده و در بولایق یافت شده است. زمان این ترجمه سده ششم میلادی است، اما دست‌نوشته‌های موجود به اوایل سده هشتم میلادی تعلق دارد (نیز نک: آموزگار و تفضلی ۱۳۷۵: ۴۱؛ ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۶۳؛ تفضلی ۱۳۷۷: ۳۵۳؛ زرنشاس ۱۳۸۲: ۷۵؛ عریان ۱۳۸۲).
۵. کتیبه‌ای بر شش صلیب سنگی، احتمالاً از سده هفتم میلادی، که در جنوب هند یافت شده و بازخوانی آن موضوع این مقاله است. این شش صلیب عبارت‌اند از:

- الف. صلیب کلیسای کوه سنت توماس^۴ در نزدیکی مادراس (مَدْرَس)^۵.
ب و ج. دو صلیب در کلیسای والیاپالی^۶ در کُتایام^۷ در تراوانکُور^۸ (تصویر ۱).
صلیب بزرگ‌تر کتیبه‌ای نیز به زبان و خط سُریانی دارد. کتیبه سُریانی نقل قولی از رساله پُلُس رسول به غلاطیان (باب ۶، آیه ۱۴)^۹ است (آنکلساریا ۱۹۵۸: ۹۷).
د. صلیب کلیسای سُریانی یعقوبی کادامارام^{۱۰} در حدود چهل مایلی کُتایام.
ه. صلیب یافت‌شده در یک کلیسای کاتولیک رومی در موتاسیرا^{۱۱} در پانزده مایلی شمال کُتایام. کتیبه این صلیب آسیب دیده و فقط چهار واژه پایانی آن قابل خواندن است.

پرتال جامع علوم انسانی

1. Quilon
2. Sabr-Išō'
3. Malabar
4. St. Thomas's Mount
5. Madras
6. Valiyapalli
7. Kottayam
8. Travancore
9. این آیه چنین است: «لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که به وسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا.»
10. Kadamarram
11. Muttasira

و. صلیب یافت شده در یک کلیسای کاتولیک سُرّیانی در آلانگاد^۱ در شمال تراوانکور که گفته می‌شود از کرانگانور^۲ در مالابار آورده شده است.



تصویر ۱. صلیب سنگی کلیسای والیپالی در کتایام

چنان که در تصویر ۱ دیده می‌شود، خط به کار رفته در این کتیبه، حد فاصل خط پهلوی کتیبه‌ای و خط پهلوی کتابی است. به علاوه، در جایی که برابر با عدد یک بر صفحه ساعت است، کتیبه با دو نشانه + و ∞ به دو بخش نامساوی تقسیم شده است. در بخش بلندتر که در سمت چپ نشانه + قرار دارد، پایین حروف به سمت صلیب است؛ اما در بخش کوتاه‌تر که از زیر نشانه ∞ آغاز می‌شود، بالای حروف به سمت صلیب است.

صلیبهای فوق‌الذکر را، در تقسیم‌بندی انواع صلیبها، اصطلاحاً صلیب سُرّیانی^۳ یا صلیب سنت توماس^۴ می‌نامند. این نوع صلیب به شمعدان هفت‌شاخه یهودی شباهت دارد. در بخش زیرین این نوع صلیب، شاخه‌های روییده به سمت راست و چپ، نشانه خداوند هستند که در میان بوته‌های شعله‌ور بر موسی (ع) ظاهر شد؛ شاخه میانی، نگاهدارنده صلیب عیسی مسیح (ع)؛ و کبوتر بالای صلیب، نشانه

1. Alangad
2. Cranganore
3. Syrian Cross
4. St. Thomas Cross

روح القدس است. گوشه‌های صلیب نیز که به غنچه‌های در حال شکفتن می‌مانند، نشانه زندگی جدید است.

شایان ذکر است که هنوز بسیاری از بازماندگان مسیحیان سُرِیانی در ایالت کِرالا در جنوب هند سکونت دارند و تحت نامهایی چون «نصرانی سُرِیانی مالابار»^۱ و «مسیحی سنت توماس»^۲ خوانده می‌شوند. آنان اکنون به زبان مالایالام^۳ تکلم می‌کنند.

۲. پیشینه تحقیق

تا کنون تلاش‌های بسیاری برای قرائت و ترجمه این کتیبه صورت گرفته است. در اینجا به مهم‌ترین قرائتها و ترجمه‌های پیشنهاد شده به ترتیب زمانی اشاره می‌شود:

۱. قرائت و ترجمه برنیل (۱۸۷۳؛ ۱۸۷۴):

yîn rijyâ mn vn drd î dnmn mûn amn mshîhâ af alhâ î mdm af rshd î aj asr bôkht.

در کیفر با دار (= صلیب)، درد این (بود) که مسیح راست، و خدای بالا، و راهنمای همواره پاک (است).^۴

۲. ترجمه هوگ بر پایه قرائت برنیل (به نقل از: سَنجانا ۱۹۱۴: ۱۹۴؛ آنکلیساریا

۱۹۵۸: ۶۸):

کسی که به مسیح و خدای بالا و به روح القدس باور دارد، به فضل او که دار (= صلیب) را حمل کرد، نجات می‌یابد.^۵

۳. قرائت و ترجمه وست (۱۸۷۴):

mûn âmen meshîkhâ î avakhshâ î madam afrâs aj khâr bûkht suldâ î min van va dard î denman.

چه چیز مسیح راست بخشایشگر برافرازانده از خواری (= سختی) را نجات داد؟ مصلوب کردن از دار و درد این.^۶

1. Syrian Malabar Nasrani

2. Saint Thomas Christian

3. Malayalam

4. In punishment by the cross (was) the suffering of this one: (He) who (is) the true Christ, and God above, and guide ever pure.

5. He who believes in the Messiah and God above and in the Holy Ghost is redeemed through the grace of him who bore the cross.

6. What freed the true Messiah, the forgiving, the upraising from hardship? The crucifixion from the tree, and the anguish of this.

۴. قرائت و ترجمه دو هارله (۱۸۹۲؛ به نقل از: سَنجانا ۱۹۱۴: ۱۹۵؛ آنکلساریا ۱۹۵۸:

۶۷، ۶۹):

mûn âmen mesîhâ î avakhshâ î madam afrâs aj asar bôkht yîn razyâ min van dard î denman.

او که مسیحِ راستِ آشتی دهنده همواره زنده‌کننده (است)، به فضلِ (ناشی) از بر دار کردنِ او (یا، بر دار کردنِ این، که در اینجا دیده می‌شود) پاک می‌کند (= تقدس می‌بخشد).^۱

۵. قرائت و ترجمه وست (۱۸۹۶-۱۸۹۷؛ به نقل از: آنکلساریا ۱۹۵۸: ۶۷، ۶۹):

mûn ham-ich meshîkhâ i avakhshây i madam afrâs îch khâr bûkhto sûr-zây mûn bun dardo denâ.

کسی که خواری (= رنج) همان مسیحِ بخشایشگر برافرازنده نجات داده (است)، درخواستی می‌کند که بُن (= منشأ) (آن) دردِ این (بود).^۲
۶. قرائتها و ترجمه‌های سَنجانا (۱۹۱۴):

a. rish-razyâ min van dard denâ mûn hemn meshîhâ âpakshâ î madam afrâs î chahâr-bûkht.

الف. دردِ زخم و نیزه زدنِ او بر دار (= صلیب) چنان (بود)، (او) که مسیحِ راستِ بخشایشگرِ والامقام (از نسل) چهاربُخت (بود).^۳

b. rish-razyâ min van dard denâ mûn hemn meshîhâ âpakshâ î madam aprahîm î chahâr-bûkht.

ب. دردِ نیزه و زخم زدنِ او بر دار (= صلیب) این (بود)، (او) که مسیحِ راستِ بخشایشگرِ (از نسل) ابراهیم بزرگ (بود) که او نیز از نسل (چهاربُخت) (بود).^۴

c. mûn hemn meshîhâ âpakshâ î madam-afrâjî î chahâr bôkht rish-razyâ min van dard denâ.

ج. کسی که مسیحِ راستِ بخشایشگرش (بود)، بسیار برافراشته (بود)؛ از چهار

-
1. Celui qui (est) le vrai Messie, le réconciliateur, le ressuscitant à jamais, purifie (sanctifie) par la vertu (provenant) du crucifiement de lui (ou, du crucifiement celui-ci, ce qu'on voit ici).
 2. (He) whom the suffering of the selfsame Messiah, the forgiving and upraising, (has) saved, (is) offering the plea whose origin (was) the agony of this.
 3. Such (was) the affliction (*dard*) of the wounding and spearing (*rish-razyâ*) of him on the cross (*min van*), who (was) the faithful (*hemn*) Meshihâ, a forgiver, of superior dignity, the descendant of Chahâr-bûkht.
 4. This (was) the affliction of the spearing and wounding of him on (*min*) the cross, who (was) the faithful Meshihâ, the merciful one, the descendant of the great Abrahîm, (who) was the descendant of Chahâr-bûkht.

(ناحیه دوزخ) نجات داده شد؛ این (به خاطر) درد نیزه و زخم زدن (به مسیح) بر دار (= صلیب) (بود).^۱

d. rasûl-ich yeh min van dard denâ.

د. این درد رسولِ یهوه بر دار (= صلیب) (بود).^۲

۷. قرائت و ترجمه مودی (۱۹۲۹):

li zibah vai min ninav val denman napisht mar shapur li (mun) ahrob mashiah avakhshâhi min khâr bokht.

من، پرنده‌ای زیبا از نینوا، بدین (کشور آمده‌ام). نوشته مار شاپور. مسیح پاک بخشایشگر مرا از خار (= رنج) نجات داد.^۳

۸. قرائت و ترجمه آنکلساریا (۱۹۵۸):

môlahê mashîhâ awakshâi-ch û madam âprès îch chaârêbâp sûrihâ manû bôkht danhê.

سربانیانی که این مولای مسیح شده و منجی، و آموزه عالی چهار حواری نجات داد.^۴

۹. قرائت و ترجمه هنینگ (۱۹۵۸):

MR 'H-mn mšyh' 'pĥš'd QDM ... Y çĥ'rbwxt Y gywrgys MNW wn'rt ZNH

خداوندمان مسیح، ببخشای بر ... (پسر) چهاربخت (پسر) گیورگیس که این را ساخت.^۵

۳. بازنگری کتیبه

بر پایه تصویر ۱، کتیبه پیرامون صلیب را می‌توان چنین رونویسی کرد:

ܘܢܘܫܝܢܐ ܕܡܘܠܐܗܘܢ ܡܫܝܗܘܢ ܘܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ

+ ܘܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ ܕܡܫܝܗܘܢ

1. He of whom the faithful Meshihâ (was) a forgiver, (was) highly exalted; he (was) redeemed from the four (regions of Hell); this (was due to) the affliction of the spearing and wounding (of Meshihâ) on the cross.

2. This (was) the affliction on the cross even of the messenger of Jehovah.

3. I, a beautiful bird from Nineveh, (have come) to this (country). Written (by) Mar Shapur. Holy Messiah, the forgiver, freed me from thorn (i.e. affliction).

4. The Syrians whom this Anointed Lord and Saviour and the supreme revelation of the four apostles gave salvation.

5. unser Herr Christus! erbarme Dich über ... (Sohn) des Çahârbuxt, (Sohns) des Georg. der dies aufrichtete.

در صلیب یافت شده در کلیسای کاتولیک سُرِیانی در آلانگاد، در بخش نخست کتیبه، در میان واژه‌های *𐭮𐭮𐭮𐭮* و *𐭮𐭮* نشانهٔ *𐭮𐭮* نیز آمده است (نک: آنکلساریا ۱۹۵۸: ۷۸). از سوی دیگر، در صلیب کلیسای کوه سنت توماس، در پایان سطر نخست تنها یک نشانهٔ *𐭮𐭮* وجود دارد (نک: همان: ۷۹). با در نظر گرفتن این دو نکته، به نظر نگارنده، این کتیبه را می‌توان به صورت زیر به خط پهلوی کتابی برگرداند:

𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮
𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮

بر پایهٔ قرائت مذکور، حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمهٔ کتیبه چنین خواهد بود:

حرف‌نوشت (به شیوهٔ مکنزی)

MROH-mn mšyh' ʔphš'yt W QDM ʔpr'st čh'rbwxt'.
swlyh' MNW bwxt' ZNE.

آوانوشت (به شیوهٔ مکنزی)

xwadāy-mān mašihā abaxšāyid ud abar abraš̄t čahārbōxt.
sūrihā kē bōxt ēn.

ترجمه

خدای‌مان، مسیحا، بخشایید و برافراشت چهاربخت (= صلیب) را.
سوریه‌ها که این نجات[شان] داد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

۱. هُزوارش MROH که قرائت فارسی میانهٔ آن *xwadāy* «خدای» است، در سنگ مزار یافت شده در استانبول نیز به کار رفته است (ژینیو ۱۹۸۶: ۱۲۰-۱۲۱). همین هُزوارش به صورت MROHY در کتیبهٔ شاپور بر کعبهٔ زردشت، در همهٔ کتیبه‌های گردیر، و در کتیبهٔ نَرسه در پایکولی نیز آمده است (همو ۱۹۷۲: ۲۹؛ نیز نک: مَشکور ۱۳۴۶: ۱۳۹).

۲. ضمائر شخصی متصل در فارسی میانه و فارسی دری متقدم می‌توانند در همهٔ نقشهای نحوی، به‌جز در نقش فاعل دستوری، به کار برده شوند. تنها باید توجه داشت که اگر نقش مضاف‌الیه را داشته باشند، نمی‌توانند مستقیماً به مضاف متصل شوند. به عبارت دیگر، کاربرد ضمائر شخصی متصل به عنوان پسوندهای

ملکی پدیده‌ای متأخر است. از این رو، در جمله نخست، ضمیر اول شخص جمع متصل *mān* - «مان» در *xwadāy-mān* «خدای مان»، مضاف‌الیه نیست، بلکه مفعول فعل *abaxšāyīd* «بخشایید» است:

xwadāy-mān mašīhā abaxšāyīd.

خدای مان، مسیحا، بخشایید. = خدای، مسیحا، ما را بخشایید.

۳. واژه *mašīhā* دخیل از زبان سُرِیانی است (قس: ابوالقاسمی ۱۳۷۸: ۱۷). این واژه به صورت *mšy'* در سنگ مزار یافت شده در استانبول نیز به کار رفته است (ژینو ۱۹۸۶: ۱۲۱). همین واژه در سُعدی مانوی و سُعدی مسیحی نیز به صورتهای *mš'yh'* و *mšyx'* آمده است (نک: قریب ۱۳۷۴: ۲۱۹).

۴. فعل *abaxšāyīdan* (ماده مضارع: *abaxšāy-*) در فارسی میانه مانوی نیز به کار رفته است (مکنزی ۱۹۷۱: ۲؛ بویس ۱۹۷۷: ۶؛ دورکین-مایستررنست ۲۰۰۴: ۱۵). *abaxšāyīd* در فارسی میانه زردشتی به صورت *𐭠𐭮𐭩𐭭𐭲𐭮𐭩𐭮𐭭* *pḥš'dyt* نوشته می‌شود، اما املا *'bxš'yd* در فارسی میانه مانوی (بویس ۱۹۷۷: ۶؛ دورکین-مایستررنست ۲۰۰۴: ۱۵)، درستی صورت *𐭠𐭮𐭩𐭭𐭲𐭮𐭩𐭮𐭭* *pḥš'yt* را در جمله نخست تأیید می‌کند. فعل «بخشودن» که مترادف «بخشاییدن» است، در فارسی دری به قیاس با «سُردن» (ماده مضارع: سرای-) ساخته شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۳۵).

۵. معادل فعل «افراشتن» (ماده مضارع: افراز-) در فارسی میانه *abrāstan* (ماده مضارع: *abrāz-*) است (مکنزی ۱۹۷۱: ۴). اما در کتیبه مورد بحث، بر خلاف انتظار، از صورت *abrāštan* استفاده شده که برابر با «افراشتن» در فارسی دری است. از آنجا که کاربرد *-št-* به جای *-st-* از ویژگیهای زبان پارتی است (قس: پارتی: *rāšt*، فارسی میانه: *rāst* «راست»)، می‌توان *abrāštan* را دخیل از زبان پارتی دانست (قس: پارتی *abrāštag* «افراشته»، دورکین-مایستررنست ۲۰۰۴: ۱۴). صورت «افراختن» در فارسی دری به قیاس با فعلهایی چون «افروختن» (ماده مضارع: افروز-) ساخته شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۲۹؛ قس: جونگ ۲۰۰۷: ۱۹۸).

۶. واژه *čahārbōxt* «چهاربخت» در اصل به معنی «نجات یافته چهار (عنصر؟)»، نجات یافته توسط چهار (عنصر؟) است، از فعل *bōxtan* (ماده مضارع: *bōz-*) «نجات دادن» (مکنزی ۱۹۷۱: ۱۹). این واژه در این کتیبه به معنی «صلیب» به کار رفته است. واژه «چهاربخت» در لغتنامه دهخدا نیز به معنی «صلیب» آمده، اما

شاهدی برای آن داده نشده است. به علاوه، «چهاربُخت» و صورت معرّب آن «صهاربُخت»، به عنوان نام خاص در میان مسیحیان سُرّیانی زبان رایج بوده است.

۷. یکی از ویژگیهای مهم صرف فعل در زبان فارسی میانه، کاربرد ساخت اِرگتیو^۱ در زمانهای ماضی افعال متعدی است. در این گونه افعال، فعل کمکی با مفعول مستقیم، که در واقع فاعل دستوری است، مطابقت می‌کند، نه با عامل، که فاعل منطقی است. در صرف ماضی ساده افعال متعدی، جز در صورتی که مفعول مستقیم سوم شخص مفرد باشد، استفاده از صیغه مضارع اخباری فعل کمکی h- «بودن» الزامی است. چنان که گفته شد، این فعل کمکی باید با مفعول مستقیم مطابقت کند. در کتیبه مورد بررسی، سه فعل متعدی *abaxšāyīd* «بخشایید»، *abrāšt* «برافراشت» و *bōxt* «نجات داد» به کار رفته که مفعول فعل نخست، اول شخص جمع، و مفعول فعل سوم، سوم شخص جمع است. از این رو، مطابق قاعده، این دو فعل در فارسی میانه باید به ترتیب به صورت *abaxšāyīd hēm* و *bōxt hēnd* ظاهر می‌شدند. عدم استفاده از ساخت اِرگتیو در صرف این دو فعل نشان می‌دهد که زبان این کتیبه نه فارسی میانه، بلکه فارسی دری است. چنان که پیشتر گفته شد، کاربرد فعل *abrāstan* به جای *abrāstan*، دلیل دیگری برای اثبات این نکته است.

شایان ذکر است که فارسی دری در حدود سده پنجم میلادی در نتیجه انتقال فارسی میانه گفتاری به نواحی شرقی شاهنشاهی ساسانی و آمیختگی آن با زبانهایی چون پارسی پدید آمد (رضائی باغیبیدی ۲۰۰۹: ۱۶۲). در اواخر دوره ساسانی، فارسی دری زبان محاوره در پایتخت ساسانی و به احتمال زیاد زبان ارتباطی مشترک در سراسر شاهنشاهی ساسانی بود (نیز نک: لازار ۱۹۹۵: ۴۹-۷۹، ۱۴۱-۱۴۸). در کتابهای دوره اسلامی نمونه‌هایی از فارسی دری دوره ساسانی ثبت شده که کهن‌ترین آنها کلماتی منسوب به بهرام پنجم (معروف به بهرام گور؛ پادشاهی: ۴۲۰/۱-۴۲۸/۹ م) است (نک: صادقی ۱۳۵۷: ۴۱).

در پایان، این نکته را نیز می‌توان افزود که قطعه منظوم «در باره آمدن شاه بهرام و رجاوند» را نیز که به خط پهلوی است، باید به زبان فارسی دری دانست، نه فارسی میانه، چرا که در این قطعه نیز هیچ یک از افعال ماضی متعدی ساخت اِرگتیو ندارد (نیز نک: لازار ۲۰۰۳: ۱۰۱).

منابع

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۷۵ ش، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳ ش، ماده‌های فعلهای فارسی دری، تهران.
- _____، ۱۳۷۵ ش، راهنمای زبانهای باستانی ایران، ج ۱، تهران.
- _____، ۱۳۷۸ ش، واژگان زبان فارسی دری، تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۷ ش، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، ج ۲، تهران.
- ثعالبی مرغنی، ابومنصور حسین بن محمد، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، به کوشش ه. زوتنبرگ، پاریس، ۱۹۰۰ م.
- دهخدا، لغتنامه.
- رضائی باغبیدی، حسن، ۲۰۰۹ م، تاریخ زبانهای ایرانی، اوساکا.
- زرشناس، زهره، ۱۳۸۲ ش، زبان و ادبیات ایران باستان، تهران.
- _____، ۱۳۸۴ ش، «قصه حضرت ایوب (ع) به روایت سغدی»، نامه پارسی، س ۱۰، ش ۳، ص ۵۷-۶۵.
- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۵۷ ش، تکوین زبان فارسی، تهران.
- عریان، سعید، ۱۳۸۲ ش، زیور پهلوی، تهران.
- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴ ش، فرهنگ سغدی، تهران.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۴۶ ش، فرهنگ هنر و آداب پهلوی، تهران.
- کتاب مقدس.
- منشی‌زاده، مجتبی، ۱۳۷۷ ش، «روایت سغدی داستان دانیال پیامبر»، مهر و داد و بهار (یادنامه استاد دکتر مهرداد بهار)، به کوشش امیر کاووس بالازاده، تهران، ص ۲۸۵-۳۰۲.
- Anklesaria, B. T., 1958, 'The Pahlavi Inscription on the Crosses in Southern India', *Journal of the Cama Oriental Institute* 39, pp. 64-107.
- Asmussen, J. P., 1965, 'Judaeo-Persica II: The Jewish-Persian Law Report from Ahwāz, A. D. 1020', *Acta Orientalia* XXIX, pp. 49-60.
- _____, 1983, 'Christians in Iran', *The Cambridge History of Iran*, vol. 3(2), ed. E. Yarshater, Cambridge, pp. 924-948.
- Bogoliubov, M. N., 1974, 'L'inscription pehlevie de Constantinople', *Acta Iranica* 2, Téhéran/Liège, pp. 291-301.
- Boyce, M., 1977, *A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian* (= *Acta Iranica* 9a), Téhéran-Liège.
- Burnell, A. C., 1873, *On Some Pahlavi Inscriptions in South India*. Mangalore.
- Burnell, A. C., 1874, 'On Some Pahlavi Inscriptions in South India', *Indian Antiquary* 3, pp. 308-316.
- Cheung, J., 2007, *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Leiden/Boston.
- de Menasce, J. P., 1967, 'L'inscription funéraire pehlevie d'Istanbul', *Iranica Antiqua* 7, pp. 59-71.

- Durkin-Meisterernst, D., 2004, *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian* (= Dictionary of Manichaean Texts, Vol. III, Part 1), Turnhout.
- Frye, R. N., 1990, 'The Middle Persian Inscription from Constantinople: Sasanian or Post-Sasanian?', *Studia Iranica* 19, pp. 209-218.
- Gignoux, Ph., 1972, *Glossaire des inscriptions pehlevies et parthes* (= Corpus Inscriptionum Iranicarum, Supplementary Series, vol. I), London.
- _____, 1980, 'Sceaux chrétiens d'époque sasanide', *Iranica Antiqua* XV, pp. 299-314.
- _____, 1986, 'Encore un mot sur l'inscription pehlevie de Constantinople', *Studia Iranica* 15, pp. 119-121.
- _____, 1991, *Les quatre inscriptions du mage Kirdīr* (*Studia Iranica*, Cahier 9), Paris.
- Henning, W. B., 1958, 'Mitteliranisch', *Handbuch der Orientalistik*, Iranistik I. Linguistik, Leiden/Köln, pp. 20-130.
- Kasumova, S. Ju., 1991, 'Le sceau du catholicos d'Albanie et du Balāsagān', tr. Ph. Gignoux, *Studia Iranica* 20, pp. 23-32.
- Lazard, G., 1963, *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*. Paris.
- _____, 1995, *La formation de la langue persane*, Paris.
- _____, 2003, 'Du pehlevi au persan: diachronie ou diatopie?', *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. Paul, Wiesbaden, pp. 95-102.
- MacKenzie, D. N., 1971, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- Modi, J. J., 1929, 'A Christian Cross with a Pahlavi Inscription Recently Discovered in the Travancore State', in: *Asiatic Papers, Part IV, Papers Read Before the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society*, vol. 2, pp. 1-18.
- Nyberg, H. S., 1968, 'L'inscription pehlevie d'Istanbul', *Byzantion* 38, pp. 443-449.
- Russell, J. R., 1992, 'Christianity in Pre-Islamic Persia: Literary Sources', *Encyclopaedia Iranica* 5, ed. E. Yarshater, Costa Mesa, pp. 523-528.
- Sanjana, D. P., 1914, 'The Pahlavi Inscription on the Mount Cross in Southern India', Sir Jamsetjee Jejeebhoy Madressa Jubilee Volume, ed. J. J. Modi, Bombay, pp. 193-198.
- Schwartz, M., 1974, 'Sogdian Fragments of the *Book of Psalms*', *Altorientalische Forschungen* I, Berlin, pp. 257-261.
- Sims-Williams, N., 1985, *The Christian Sogdian Manuscript C2*, Berliner Turfantexte 12, Berlin.
- _____, 1992, 'Christianity in Central Asia and Chinese Turkestan', *Encyclopaedia Iranica* 5, ed. E. Yarshater, Costa Mesa, pp. 530-534.
- West, E. W., 1874, 'Review of Burnell, A. C., *On Some Pahlavi Inscriptions in South India*, Mangalore', in: *Academy* 5, pp. 96-97.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی